

هو الحکیم

عنوان:

برگشت عالم ماده به عدم است یا ماده دیگر؟!!

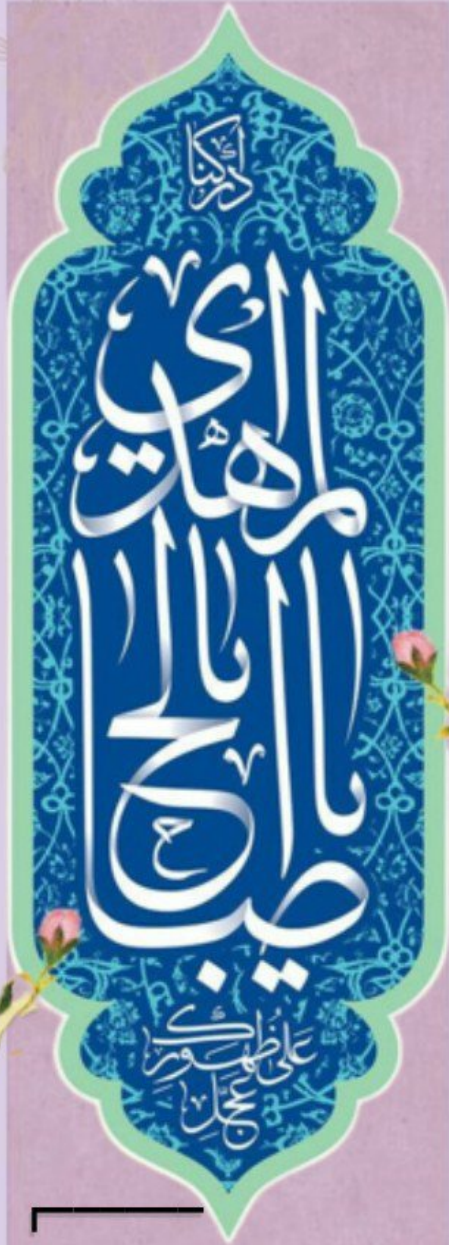


دکتر وحید باقر پور کاشانی



@SERATEHAGHI

۱



@SERATEHAGHI

@serat12k

→ [صراط حق]



@serat12k
@Seratehagh

با توجه به اینکه ما اشتراکی که با مادی‌گراها داریم، این است که ماده و لواحق ماده را پذیرفتیم؛ سوفسطی نیستیم که انکار حقائق خارجی بکنیم! بلکه ماده را پذیرفتیم. الهی می‌گوید که غیر از ماده، حقیقتی یا حقایقی مجرد و فرامادی هست؛ اما الهی و مادی در این اصل مشترکند که ماده تحقق دارد، ماده خارجیت دارد.

حالا این ماده چگونه به وجود آمده؟ این ماده‌ای که حادث هست، ما می‌بینیم که هر ماده‌ای مسبوق به عدم خودش می‌باشد، یعنی نبوده، بود شده؛ این ماده چگونه به وجود آمده؟ یک نظریه این است که از عدم به وجود آمده: یعنی هیچی نبوده در عالم، هیچی! حتی الهی که می‌گوید خدا،

→ [صراط حق]



مادی این را قبول ندارد. می‌گوید هیچی نبوده، عدم بوده. از عدم، علت شد برای تحقق وجود، عالم هستی. در این جا می‌گوییم عدم چیزی نیست که بخواهد برای اشیاء، جهت علت داشته باشد و بتواند دارای اثر باشد! زیرا این از خصوصیات موجود به ما هو موجود است که دارای اثر هست! عدم که چیزی نیست، خارجیت ندارد که بخواهد منشاء اثری باشد! علتی برای این هستی و این معالیل باشد! عدم چیزی نیست! پس این محال است! سؤالی که مطرح می‌شود این است که پس این عدم که محال است، از آن وجود تحقق پیدا بکند، این عالم از وجود دیگری تحقق پیدا کرده، آیا این وجودی که این عالم را به وجود آورده، آیا سنخیتی با همدیگر دارند یا ندارند؟ یعنی آیا این هم شبیه همان هست؟

→ [صراط حق]



@serat12k
@Seratehagh

می‌گویند از چه لحاظ؟
می‌گوییم از لحاظ ماده؛ ماده هست؟
می‌گویند بله! می‌گوییم تمام آن نیازها،
احتیاجات، تغییرات، دگرگونی‌هایی که در
ارتباط با این عالم است، در مورد علت آن‌ها
هم که ماده هست صورت می‌گیرد،
چون ماده، ماده هست! و بعد سؤال می‌شود
آن ماده‌ی دیگر را چه چیزی به وجود آورده؟
باز می‌گویند ماده! اگر ماده باشد، باز آن هم
مستثنی از ویژگی‌ها و خصوصیات دو ماده‌ای
که گذرانندیم نیست! این ویژگی‌ها را دارد!
پس آن ماده‌ی سوم را چه چیزی به وجود
آورده؟! می‌گویند ماده‌ی چهارم!
ماده‌ی چهارم هم ماده است دیگر!
دوباره همین ویژگی‌ها و خصوصیات را دارد!
وقتی که این‌طوری در نظر بگیریم، با کثیر،
سلسله‌ی طولی که ما بخواهیم درست بکنیم،
دردی دوا نمی‌کند!

→ [صراط حق]



به خاطر اینکه در تمام این‌ها نیاز و فقر و احتیاج خوابیده! حالا این یکی باشد، دو تا باشد، ده تا باشد، میلیارد تا باشد، تیلیارد تا باشد، این توجیه نسبت به نظام عالم موجودیت نیست! به خاطر اینکه در هر کدام از این‌ها احتیاج خوابیده! و از کثیر محتاج، بی‌نیاز و غنی به دست نمی‌آید! پس تمام عالم باید این‌جا به یک حقیقتی برسد که به خود باشد! این ماده‌ها هر کدام‌شان به دیگری هست و این‌ها همه قائم به غیرند، این‌ها همه نیازمند هستند! کثرت طولی را بخواهیم زیاد بکنیم، علل طولی را بخواهیم زیاد بکنیم، نیاز این‌ها تبدیل به بی‌نیازی و غنا نمی‌شود! مگر اینکه سر آن سلسله یک حقیقتی باشد که به خود باشد و تمام این‌ها به آن مبتنی باشند که البته آن حقیقت، مادی نباید باشد! به خاطر اینکه اگر مادی باشد این ماده‌ای که نگاه می‌کنیم نیازمند هست، ماده‌های دیگر هم نیازمند هستند! پس آن باید چه باشد؟ فرامادی! اینجا می‌شود ثبت المطلوب! آن حقیقت فراماده در مورد خداوند متعال اثبات شد.